اخبار کارگری

تاخیر در پرداخت مطالبات مزدی کارگران پروژه آزادراه منجیل به رشت

پرداخت مطالبات مزدی کارگران پیمانکاری پروژه آزادراه منجیل به رشت در محدوده شهر رودبار بعد از گذشت حدود یک سال از توقف فعالیت کارگران، هنوز پرداخت نشده است.

به گزارش ایلنا، برخی کارگران بیکار شده پروژه آزاد راه منجیل به رشت در رودبار استان گیلان می گویند علارغم متوقف شدن فعالیت کارگاه محل کارشان به دلیل کمبود اعتبارات مالی، هنوز موفق به دریافت کامل مطالبات خود نشده‌اند.

به ادعای یکی از کارگران؛ در ۸ کیلومتر باقی مانده محدوده کوهستانی آزادراه منجیل به رشت در محدوده شهر رودبار، دو شرکت اصلی و چندین شرکت دسته دوم برای ساخت جاده و چندین تونل و پل فعال بودند که با متوقف شدن تعدادی از این کارگاه‌ها، کارگران شاغل در آنها نیز بیکار شده‌اند. او با اشاره به اینکه اخیرا تعدادی از مسئولان قضایی گیلان از این پروژه عمرانی در محدوده شهر رودبار بازدید کرده‌اند، گفت: امید ما کارگران به نهاد قضایی گیلان است که پیگیر پرداخت مابقی مطالبات کارگران باشند. به گفته وی؛ مطالبات باقیمانده کارگران بیکار شده از ۷ تا ۸ میلیون شروع و تا ۰ تا ۵۰ میلیون تومان می رسد.

انتقاد کارگران شرکتی شهرداری تبریز به عدم تبدیل وضعیت

حدود هزار و ۴۰۰ کارگر شرکتی شاغل در مجموعه شهرداری تبریز به عدم اجرای طرح تبدیل وضعیت استخدامی خود انتقاد دارند.

برخی کارگران مجموعه شهرداری تبریز که خواستار تبدیل وضعیت استخدامی خود بر اساس تصریحات قانون هستند، در تماس با خبرنگار ایلنا، گفتند: سالهاست ما کارگران «پاکبان» و «سبزبان» پیگیر اجرای طرح تبدیل وضعت شغلی خود از شرکتی به قرارداد مستقیم هستیم که علارغم وعده‌های بسیار هنوز عملی نشده است. این کارگران اظهار داشتند: در مجموعه مناطق ده گانه شهرداری تبریز نزدیک به هزار و ۷۵۰ کارگر تحت مسئولیت ۲۷ پیمانکار طرف قرارداد با شهرداری تبریز مشغول کارند و این موضوع کارگران را در شرایط بدمالی قرار داده است.

به گفته کارگران؛ از سال گذشته طرح تبدیل وضعیت ۲۵۰ نفر از کارگران ایثارگر و خانواده‌هایشان اجرایی شده و در حال حاضر حدود هزار و ۴۰۰ کارگر غیر ایثارگر شاغل در شهرداری از سال‌ها پیش پیگیر تبدیل وضعیت شغلی خود هستند.

کارگران با بیان اینکه امیدمان به اجرای «طرح ساماندهی استخدام کارکنان دولت» در مجلس بود که آنهم هنوز به نتیجه نرسیده است، افزودند: همه ما سالهاست به صورت حجمی تحت مسئولیت شرکت پیمانکار به صورت شبانه‌روزی مشغول کاریم و از جان خود مایه گذاشته‌ایم و در این راه تلاش زیادی برای حذف فعالیت خود پیمانکار انجام داده اما نتیجه‌ای نگرفته‌ایم. بنابر ادعای این کارگران، دریافتی کارگران و کارکنان ساده شاغل در شهرداری تبریز در حد حقوق قانونی مصوبه شورای عالی کار است که فقط کفاف حداکثر ۱۰ روز در ماه را می دهد بنابراین برخی کارگران ناچارند بعد از ساعات کاری در موسسات کرایه خودرو کار کنند. کارگران شهرداری تبریز با بیان اینکه قراردادهای موقت، آسیب جدی به امنیت شغلی کارگران شرکتی وارد می کند، افزودند: مسئولان مربوطه نباید کارگران را به حال خودشان رها کنند.

مرگ یک کارگر ساختمانی بر اثر ریزش آوار

یک کارگر ساختمانی در حین انجام کار در بلوار عبدالمطلب مشهد بر اثر ریزش آوار یک ساختمان سه طبقه در حال بازسازی روی سرش جان باخت. به گزارش ایلنا، این کارگر بلافاصله با حضور امدادگران از زیر آوار خارج شد اما بر اثر سنگین بودن آوار و جراحات شدیدی که از چند ناحیه بدن داشت، جان خود را از دست داد.

وحید یامین پور؛ رئیس کارگروه اشتغال و کارآفرینی وزارت ورزش شد

وزیر ورزش و جوانان در حکمی وحید یامین پور معاون (امور جوانان وزارت ورزش و جوانان) را به عنوان «رییس کارگروه اشتغال و کارآفرینی وزارت ورزش و جوانان» منصوب کرد.

«امنیت شغلی کارگران» همچنان در خطر

دادنامه‌های ضدکارگری ابطال شوند

برای اجرای ماده ۳۴ هیچ مصداقی بارزتر از دادنامه ۱۷۹ و مقررات ویژه اشتغال پیدا نمی‌شود؛ زیان بیشتر از اینکه از سال ۷۵ امنیت شغلی کارگران آن‌چنان به یغما رفته که دیگر کارگران قدرت ایجاد تشکل صنفی ندارند و نمی‌توانند بر سر دستمزد و مزایای مزدی خود چانه‌زنی و مطالبه‌گری کنند؛ چرا با اجرای ماده ۳۴ جلوی این زیان و ضرر جمعی را نمی‌گیرند؟!

به گزارش ایلنا، در فضای متصلب امروزِ بازار کار، یکی از موانع اصلی که کارگران را از هر نوع مطالبه‌گری بازمی‌دارد، «فقدان امنیت شغلی» و استیلای حداکثریِ قراردادهای موقت کار است؛ نقش بازدارنده‌ی قراردادهای موقتِ ۹۵ درصد از کارگران شاغل کشور به حدی برجسته است که فعالان کارگری آن را به ریسمانی سخت پیچیده بر دست و پای طبقه‌ی کارگر توصیف می‌کنند.

از دست رفتن تاریخی قراردادهای دائم

بنابراین تامین امنیت شغلی، قاعده‌ی مثلث تامین مطالبات کارگران است؛ تا قراردادهای دائم احیا نشوند، حق‌خواهی کارگران در مسیر عادی خود قرار نخواهد گرفت؛ و البته سال‌هاست که کارگران برای احیای حق از دست رفته بر قراردادهای دائم کار تلاش می‌کنند و به جایی نمی‌رسند.

امنیت شغلی کارگران قبل از هر چیز با دادنامه ۱۷۹ دیوان عدالت که در سال ۱۳۷۵ صادر شده، زیر سوال رفته است؛ این دادنامه با مخیر دانستن کارفرمایان به عقد قرارداد موقت در کارهای با ماهیت مستمر، اصل و اساس قراردادهای دائم و مفاهیم مستتر در ماده ۷ قانون کار را زیر سوال برده است؛ بیش از دو دهه است که کارگران کشور از این دادنامه‌ی غیرقانونی رنج می‌برند و حضور دائم این دادنامه در کارگاه‌ها، بی‌ثبات‌کاری و فقدان امنیت را به عرف رایج روابط کار بدل کرده است؛ با این حال به نظر نمی‌رسد در حال حاضر اراده‌ای جدی برای ابطال یا حتی توقف آن وجود داشته باشد.

امنیت شغلی کارگران قبل از هر چیز با دادنامه ۱۷۹ دیوان عدالت که در سال ۱۳۷۵ صادر شده، زیر سوال رفته است؛ این دادنامه با مخیر دانستن کارفرمایان به عقد قرارداد موقت در کارهای با ماهیت مستمر، اصل و اساس قراردادهای دائم و مفاهیم مستتر در ماده ۷ قانون کار را زیر سوال برده است

دادخواست‌های بی‌نتیجه

چندین ماه است که کارگران و تشکل‌های کارگری با تقدیم دادخواست به دیوان عدالت اداری، خواستار تجدیدنظر در این دادنامه‌ی ضد کارگری شده‌اند؛ در دادخواست‌هایی که آخرین نسخه‌های آن‌ها شهریور سال جاری خطاب به رئیس دیوان عدالت به صدور رسیده، قبل از هر چیز درخواست توقف موقت دادنامه ۱۷۹ دیوان عدالت مطرح شده و در مرحله‌ی بعد درخواست شده قضات هیات عمومی دیوان با بررسی مجدد این دادنامه و ظلم سنگینی که بر اثر آن در طول دهه‌ها به کارگران وارد شده، درخواست ابطال آن را بدهند؛ حتی برخی از فعالان کارگری گام را فراتر نهاده‌اند و از دیوان عدالت به عنوان مرجع عالی تظلم‌خواهی کارگران خواسته‌اند با صدور یک دادنامه‌ی جدید، کارفرمایان را «مکلف» سازند در کارهای با ماهیت مستمر حتماً قراردادهای دائم منعقد شود؛ اما به هیچ یک از این درخواست‌های قانونی تا امروز هیچ پاسخی داده نشده؛ حتی درخواست توقف اجرای دادنامه نیز رد شده است!

دادنامه ۱۷۹ دیوان عدالت، تنها سند قانونیِ قانون‌ستیز نیست؛ قانون‌گریزی از طریق قانون و بخشنامه، نمونه‌ی عینی دیگری هم دارد: مقررات ویژه اشتغال در مناطق آزاد و ویژه تجاری؛ که از قضا دادخواست توقف اجرا و ابطال این دادنامه که کلاً ماهیت و کارکرد قانون کار را در مناطق آزاد کشور زیر سوال برده نیز هنوز به جایی نرسیده است؛ دیوان عدالت تا امروز حاضر به توقف اجرای مقررات ویژه اشتغال و در مرحله‌ی بعد، ابطال آن نشده است.

روند کند کار: هیچ پاسخی نداده‌اند

حسین حبیبی، عضو هیات مدیره کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار کشور، که مدتهاست پیگیر مساله و رسیدگی دادخواست‌ها در دیوان عدالت است، در ارتباط با روند کار به ایلنا می گوید: پیگیری‌های ما از دیوان عدالت نشان می‌دهد که هنوز هیچ اقدامی در دیوان عدالت صورت نگرفته؛ من از کارگران تقاضا دارم بازهم دادخواست به دیوان ارسال کنند و درخواست اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات دیوان عدالت را مطرح کنند تا براساس آن دادنامه ۱۷۹ باطل شود. ما ۲۸ شهریور دادخواست خود را به دیوان عدالت داده‌ایم اما هنوز به شعبه ارجاع نشده است؛ ما درخواست داریم این مساله را در اولویت قرار دهند چراکه از هر چیز دیگری برای کارگران مهم‌تر است.

وی اضافه می کند: از سوی دیگر، دیوان عدالت به درخواست اعمال ماده ۳۴ قانون دیوان که توقف اجرای دادنامه است، توجهی نکرده و این درخواست را رد کرده داست؛ ماده ۳۴ قانون دیوان می گوید در صورتیکه آرایی صادره از مراجع حل اختلاف یا در قالب دادنامه باشد که برای جامعه ضرر داشته باشد، می‌توان اجرای آن را متوقف کرد؛ ما این درخواست را مطرح کردیم اما متاسفانه دیوان این درخواست را رد کرده است؛ صراحتاً رای به رد شدن توقیف اجرای دادنامه ۱۷۹ داده‌اند و اعلام کرده‌اند درخواست ابطال در حال رسیدگی‌ست؛ ما از دیوان توقع داریم با توجه به وظیفه‌ی دیوان که رسیدگی به تظلمات مردم از دولت است، توقیف اجرای رای دادنامه ۱۷۹ را صادر کنند چراکه این دادنامه بیشترین ضرر و ظلم را به کارگران از سال ۷۵ وارد کرده است.

مساله بعدی، مقررات ویژه اشتغال در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی‌ست؛ مقرراتی که توقف اجرا و ابطال آن می‌تواند هزاران کارگر متخصص شاغل در این مناطق را از حقوق شغلی و مزدی خود بهره‌مند سازد؛ حبیبی به لزوم توقیف اجرای این مقررات و سپس ابطال آن اشاره می کند و می گوید: «متاسفانه در این مورد نیز دیوان همکاری نکرده؛ علیرغم ثبت دادخواست اجرای ماده ۳۴، دستور توقیف اجرای مقررات ویژه صادر نشده و هنوز در ارتباط با ابطال آن نیز نظر نداده‌اند. برای اجرای ماده ۳۴ هیچ مصداقی بارزتر از دادنامه ۱۷۹ و مقررات ویژه اشتغال پیدا نمی‌شود؛ زیان بیشتر از اینکه از سال ۷۵ امنیت شغلی کارگران آن‌چنان به یغما رفته که دیگر کارگران قدرت ایجاد تشکل صنفی ندارند و نمی‌توانند بر سر دستمزد و مزایای مزدی خود چانه‌زنی و مطالبه‌گری کنند؛ چه زیانی به راستی از این بالاتر است و چرا با اجرای ماده ۳۴ جلوی این زیان و ضرر جمعی را نمی‌گیرند؟!»

بیش از دو دهه است که کارگران کشور از دادنامه غیرقانونی ۱۷۹ رنج می‌برند و حضور دائم این دادنامه در کارگاه‌ها، بی‌ثبات‌کاری و فقدان امنیت را به عرف رایج روابط کار بدل کرده است؛ با این حال به نظر نمی‌رسد در حال حاضر اراده‌ای جدی برای ابطال یا حتی توقف آن وجود داشته باشد

بوروکراسی طولانی و زمانبر شکایت به دیوان عدالت در شرایطی که منافع جمعی میلیون‌ها خانواده در میان است، کار را بسیار به درازا کشانده؛ دیوان عدالت حاضر نیست این اسناد ضد کارگری را باطل کند، در عین حال حتی به توقیف عملیات اجرایی آن‌ها نیز رضا نمی‌دهد؛ در این شرایط، ۹۵ درصد کارگران شاغل کشور در آتش قراردادهای موقت کار می‌سوزند و می‌سازند به امید روزی که خبر بیاید بعد از بیست و اندی سال، بالاخره دادنامه ۱۷۹ با یک امضای ساده‌ی قضات هیات عمومی دیوان عدالت باطل شده است؛ آیا چنین روزی بالاخره فرا می‌رسد؟!

خبر

نماینده کارگران در شورای عالی حفاظت پاسخ داد:

سهم ادارات کار در حوادث ناشی از کار چقدر است؟

نماینده کارگران در شورای عالی حفاظت در خصوص میزان بالای حوادث ناشی از کار و نقش ادارات کار در کنترل نشدنِ حوادث کار گفت: قانون تکالیف حاکمیتی برای قوه مجریه پیش‌بینی کرده و وزارت کار به عنوان یکی از ناظرین بر اجرای قوانین و تکالیف کارفرمایان و کارگران وظیفه‌ی مهمی به دوش دارد.

احسان سهرابی، گفت: میزان و سهم ادارات کار و قصور آنان در بروز حوادث ناشی از کار در رسیدگی به پرونده‌ها نادیده گرفته می‌شود و صرفا به دو طرف ماجرا یعنی کارگر و کارفرما توجه می‌شود، در صورتیکه توجه به نقش ادارات کار می‌تواند در کاهش میزان حوادث کار تاثیرگذار باشد.

نماینده کارگران در شورای عالی حفاظت بیان کرد: اگر فقهی بخواهیم به این قضیه نگاه کنیم، قاعده «الظن بلحق الشی بالاعلم الاغلب» دلالت بر این امر دارد که هر کسی که عامل حادثه است و در به وجود آمدن سهمی دارد مقصر و مسئول جبران است. همچنین قاعده اشتراک تسبیب نیز بر این موضوع تاکید دارد. با این اوصاف محدود کردنِ مقصر وقوع حادثه کار به کارگر و کارفرما با هدف قانونگذار مغایرت دارد. باید توجه داشته باشیم که خسارت می‌تواند زاییده‌ی موارد متعدد باشد که این موضوع در قانون مجازات اسلامی صراحتا مورد تاکید قرار گرفته است.

سهرابی گفت: پس اگر از این منظر به قضیه نگاه کنیم که چرا حوادث ناشی از کار کاهش پیدا نکرده است، باید گفت که سهم مقصرین در حوادث به درستی مشخص نمی‌شود.

وی افزود: شاید ضریب و درصد سهم متولیان امر، یعنی نظام مهندسی، معاونت روابط کار وزارت، معاونت وزارت بهداشت و...، اندک باشد ولی به همان میزان ضریب اهمیت بسیار بالایی می‌توانند در بازدارنده بودن حوادث داشته باشند.

نماینده کارگران در شورای عالی حفاظت تأکید کرد: حتی با مشخص شدن ضرایب صد درصد سهم کارفرما در حوادث ناشی از کار در دادنامه‌های صادر شده، سالهاست نرخ حوادث ناشی از کار به دلیل نگاه غرامتی و کالایی، کاهش پیدا نکرده است. مسلم است که صرف پرداخت غرامت به کارگری که آسیب دیده و دیه به خانواده‌ای که سرپرست خود را از دست داده نمی‌تواند باعث پیشگیر از حوادث شود.

سهرابی تصریح کرد: چنانچه سهم ترک فعل متولیان به درستی شناسایی شود، می‌توان به کاهشِ حوادث کار امیدوار شد. وزارت کار باید بازرسی خود را به طور جدی‌تری پیگیری کند. اینکه سال‌ها در مرحله‌ی ناکارمدیِ این بازرسی‌ها و کمبود بازرس کار مانده‌ایم، نشان‌دهنده‌ی قصور وزارت کار است و این قصور در شناسایی مقصران حوادث باید در نظر گرفته شود. باید این انفعال چندین و چندساله را شکست و با تأکید بر وظیفه‌ی نظارتیِ سازمان‌های مربوطه و تعیین درصدِ نقشِ آن‌ها در وقوع حوادث در پرونده‌های مختلف، در کاهش حوادث کار، گامی رو به جلو برداشت.

گزارش

مرکز آمار ایران گزارش داد؛

سهم ۱۶ درصدی کشاورزی در اشتغال کل کشور

بر اساس برآورد مرکز آمار ایران ۱۶.۳ درصد از کل شاغلان کشور را تشکیل می‌دهند که طبق محاسبات سال ۱۴۰۰ این رقم شامل ۳ میلیون ۸۰۰ هزار نفر از شاغلان فعال است. پیری جمعیت روستایی ثابت کشور یکی از دلایل نسبت اندک فعالان اقتصادی و نیروی کار بخش کشاورزی به نسبت جمعیت است.

به گزارش ایلنا، مرکز آمار ایران با انتشار یک مجموعه آمار اینفوگرافیک، آخرین آمار مربوط به اقتصاد کشاورزی را اطلاع‌رسانی کرد. با کاهش آرام سرمایه‌گذاری کشور در بخش کشاورزی در سنوات گذشته، شاهد کاهش جمعیت شاغل کشور در بخش کشاورزی هستیم. ایران از کشوری با محوریت جمعیت روستایی در سال ۱۳۵۰ که بیش از ۶۰ درصد آن را روستاییان تشکیل می‌داد، در سال ۱۴۰۰ و پس از گذشت نیم قرن به کشوری با جمعیت اکثرا شهرنشین تبدیل شد که تنها حدود ۲۲ میلیون نفر از آن‌ها (حدود یک چهارم یا ۲۵ درصد) از کل جمعیت ۸۶ میلیون نفری ایران را تشکیل می‌دهند.

یکی از چالش‌های بازار کار و اشتغال در سطح روستایی این است که جمعیت جوان روستایی به دلیل افت سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف کشاورزی و صنایع دستی، به سمت شهرها کشیده شده و بخش قابل توجهی از جمعیت جوان این مناطق به صورت موقت یا دائم ساکن شهرها هستند.

یکی دیگر از مسائل مورد بررسی مرکز آمار ایران، شاخص توسعه انسانی نیروی کار حاضر در سطح فعالیت کشاورزی ایران است که شامل کلیه مشاغل حوزه‌های کشت و زرع، باغداری، دامپروری و طیورداری، پرورش آبزیان و ماهیگیری و شکار است.

در این میان تنها ۲۳ درصد از کل شاغلان بخش کشاورزی کشور زیر ۴۰ سال سن دارند و سن نیروی کار فعال در بخش کشاورزی ایران با احتساب عشایر کشور بسیار بالاست زیرا حدود ۷۷ درصد جمعیت شاغل در این حوزه بین ۴۰ تا ۸۰ سال سن دارند. حدود ۵۵ درصد از کل شاغلان بخش کشاورزی بر طبق آخرین آمار مرکز آمار (تا سال ۱۳۹۴) در سن بازنشستگی (یعنی بالای ۵۰ سال) قرار دارند که این خود باعث کاهش بهره‌وری در این حوزه شده است؛ رقم ۵۵ درصدی که تاکنون پس از حدود شش سال قطعا با وضع فعلی تشکیل سرمایه فعلی در بخش کشاورزی، باید بیشتر هم شده باشد.

بر اساس گزارش اینفوگرافیک مرکز آمار، شاخص توسعه انسانی در بحث سواد نیروی کار فعال کشاورزی نیز وضعیت مساعدی ندارد. ۳۴ درصد از جمعیت روستایی و عشایر کشور طبق برآورد تا سال ۱۳۹۸ بی‌سواد، ۳۵ درصد دارای سواد سیکل (تا پایان دبستان) و ۲۵ درصد راهنمایی، دبیرستان و پیش دانشگاهی هستند.

بر طبق این آمار، تنها شش درصد از جمعیت شاغل کشاورزی کشور بالاتر از دیپلم سابقه تحصیل دارند.

داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد؛ ۷۲.۸ جمعیت شاغل کشاورزی کشور در زراعت و باغداری، ۲۰.۵ درصد در دامپروری، پرورش آبزیان و... فعالیت دارند. ۶.۱ درصد در حوزه ماهیگیری فعال و ۰.۶ درصد نیز در جنگلداری فعال هستند.